

تمرین های متد اکتینگ قسمت ۳ : تجزیه و تحلیل شخصیت افراد در خیابان (نسخه PDF)

در ادامه تمرین های متد اکتینگ به بخش تجزیه و تحلیل فرضی شخصیت افرادی که در خیابان یا مکان های عمومی با آنها مواجه می شویم می پردازیم . تصور کنید که در یک خیابان یا پارک هستید و افراد زیاد از کنار شما عبور می کنند ، به هر کدام از آنها که دوست داشتید خوب دقت کنید ، به نحوه راه رفتن ، تکان دادن دست ها ، تیک های عصبی و هر چیزی که به ذهن شما می رسد و هر یک از آنها را در یک پاراگراف توصیف کنید ، فقط فراموش نکنید به کسی زل نزنید به هر حال ایران هست و ... من برای هر یک از شخصیت هایی که دیدم یک عنوان انتخاب کردم بر اساس برداشتی که داشتم ، خوب بریم سر اصل ماجرا و تجزیه و تحلیل شخصیت ۵ فرد ناشناس در خیابان :

• شخصیت خودخور

هم از جلو و هم از پشت خوب بهش دقت کردم ، به مرد میانسال شاید ۴۰ و خورده ای ساله ، قد متوسط و تقریباً لاغر اندام بود ، مچ دستش رو داده بود تو از جلو وقتی نگاهش می کردی ، بهش دقت کردم دیدم هی نفس عمیق میکشه و سرش رو میبره پایین و خالی می کنه !! انگار که خودخوری می کنه که چیزی نگه یا عصبانیتش رو پنهان کنه ... فکر کن که میخای یه توپ پینگ پونگ رو برداری با همه انگشتات ! دست راستش اینجوری به داخل جمع شده بود موقع حرکت هم حالت خودش رو حفظ می کرد و من اسمش رو گذاشتم شخصیت خودخور ...

• شخصیت مضطرب

تند تند نفس میزد و خیلی سریع راه می رفت به حدی که دقیق اگر بخایم بگیریم کجا رو نگاه می کرد ، همیشه گفت ! تقریباً سرش مثل هرزگرد همه طرف نگاه میکرد یعنی به لحظه جلو ، به لحظه چپ و راست و حتی به دفعه ممکنه برگرده و پشتش رو نگاه کنه ! انگار فکر می کرد یه چیزی یا یه کسی دنبالشه ... عکس العمل هاش به هر صدایی تند بود ... یه لحظه از کنارش تند رد شدم بدون اینکه بخام بهش بخورم یه دفعه خودش رو خیلی سریع جمع کرد و سرعتش حرکتش رو بالا برد و دور شد ... قدم ها بلند و پر سرعت و توی یک خط بودن و اسم این شخصیت رو گذاشتم مضطرب ...

• شخصیت متفکر

این شخصیت در واقع یک تیکه فیلمبرداری از خودم بود ! وقتی خودم رو نگاه می کنم توی شیشه مغازه ها که دارم راه میرم ، همش دارم به یه موضوعی فکر می کنم و دست راستم رو به حالت خوب اینم همیشه باز می کنم و کف دستم رو نشون میدم و لبهام رو هم میچسبونم به هم و به سمت جلو میارم و بعضی اوقات با ابرو هام هم و صورتم هم این مورد رو تایید می کنم . در واقع این شخصیت داره دائماً با خودش صحبت می کنه و تصمیم گیری می کنه و بیشتر از اینکه حواسش به اطراف باشه به ذهنیات خودش هست و کارهایی که باید انجام بده .. در ضمن سرش رو هم به علامت تایید خودش ممکنه تکون بده ... اسم شخصیت برداشتی از خودم رو متفکر گذاشتم ...

• شخصیت آهنگساز

این شخصیت از نظر من خیلی جذاب هست ، توی خیابون راه میره و زیر لب داره یه آهنگ رو زمزمه می کنه ، بعضی اوقات با خودش یه بشکن هم میزنه و حتی ممکنه ریز یه قر هم بیاد ! باور کنید این شخصیت واقعی هست و خیلی اوقات ممکنه باهاش برخورد کرده باشیم. شونه ها رو بعضی اوقات بالا و پایین میندازه و گردنش چپ و راست می کنه ، چون مشخص هست که این شخصیت ما داره با خودش یه آهنگی رو مرور می کنه و باهاش ریتم گرفته اسمش رو گذاشتم شخصیت آهنگساز ...

• شخصیت سنگول

هی داره با خودش یه چیزی رو زمزمه می کنه ، روبرو رو که نگاه می کنه خندش میگیره و دوباره سرش رو پایین میندازه ... حرکت رو به جلو ، خنده بلند نداره فقط لبهاش کج میشه لپش جمع میشه حالت ریشخند ولی خوب خندست ... مشخصه از درون خیلی خوشحاله ... یه جورایی مثل اینکه به خر تیتاپ داده باشی ! والا ... اتفاقاً شخصیت دوست داشتنی هست ، انگار از عالم و آدم جداست ، کاری به مشکلات و بدبختی های زندگی و جامعه نداره و تو حالت ساده ترش لبخند میزنه و سرشو تکون میده ... زیاد به اطراف توجه نمی کنه چون سرعتش تو راه رفتن زیاده ...

این برداشت من از چند شخصیتی بود که بصورت واقعی در پارک دیدم و قشنگ برریشون کردم ... شما هم می تونید این تمرین رو انجام بدید ... خیلی جالب بعد از مدتی تبدیل به یک آدم شناس میشید ... براشون شخصیت سازی می کنید ... می تونید شخصیت هایی که ساختید رو در ادامه همین مطلب بنویسید ...

نویسنده : محمد نصیری

منبع : [جزیره سینما و تاتر وب سایت توسینسو](#)

هرگونه نشر و کپی برداری بدون ذکر منبع و نام نویسنده دارای اشکال اخلاقی است

مطلب اصلی